

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نسبت تامین اجتماعی و مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی ایران و بازتاب آن در

تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر سیدرضا حسینی\*، دکتر سیدحسن ملائکه\*، سیدمحمدامین حسینی\*

## چکیده

گفتگو درباره مقوله مشروعیت سیاسی، تاریخ و حیاتی به درازای زندگی اجتماعی-سیاسی انسان دارد. چون تداوم و ثبات نظم اجتماعی در گرو توضیح هنجاری آمریت و اطاعت سیاسی است. از این رو همه نظامهای سیاسی، علی رغم شکل، ماهیت، نوع رژیم و مبانی و منشأ حاکمیت و مشروعیت، نیاز به مشروعیت دارند. نظام سیاسی اسلام که در آن رابطه بنیادین میان نهاد دین و دولت مورد نظر است، از این قاعده کلی مستثنی نیست و در آن مسأله مشروعیت ابعاد تازه‌تر و پیچیده‌تری پیدا می‌کند. این پیچیدگی در اصل به رابطه دین و سیاست و همچنین به اندیشه حاکمیت دین بر روابط اجتماعی و خودمختاری انسان در سرنوشت فردی و اجتماعی‌اش باز می‌گردد. تأمین اجتماعی حمایتی است که جامعه در زمینه تامین نیازهای معیشتی افراد، به خصوص در مواقع قطع و یا کاهش درآمد، بیماری، بیکاری، سالمندی، از کارافتادگی و مانند آن به عمل می‌آورد. بر پایه آیات نورانی قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام این موضوع یکی از اهداف و برنامه‌های اصلی اسلام است و در جامعه نبوی(ص) و امتداد آن در دهه‌های نخستین هجری، الگویی از تامین اجتماعی بر مبنای آموزه‌های اسلامی ارائه گردید که دست‌آوردهای چشمگیری در زمینه رفع فقر و تامین نیازهای معیشتی آحاد مردم به همراه داشت. در پژوهش حاضر به این نکته تاکید می‌شود که تامین نیازهای ضروری و اولیه جامعه در مشروعیت بخشیدن به جامعه به صورت لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند بر این اساس اگر در جامعه افراد آن از این مزایایی حداقلی اجتماعی برخوردار گردند بیشترین مشروعیت را به جامعه خواهد بخشید.

کلید واژه: مشروعیت، تامین اجتماعی، نظام سیاسی، الزامات

---

\* عضو هیات علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، srmhoseini@rihu.ac.ir

\* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، hmalaekheh@gmail.com

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، smhoseini@rihu.ac.ir

## بیان مساله

تامین اجتماعی معادل واژه Social Security و یک اصطلاح تخصصی است که در سده اخیر رایج گردیده است. سازمان بین المللی کار در مقاله‌نامه ۱۰۲ خود در تعریف این واژه می‌گوید: «تامین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی پدیدآمده به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، ازکارافتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه‌های درمان و نگهداری خانواده (عائله‌مندی) به اعضای خود ارائه می‌دهد» [مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸، ص ۶]

مفهوم و محتوای تامین اجتماعی در طول یک قرن اخیر با تحولاتی همراه بوده است. در ابتدای پیدایش این مفهوم، تامین اجتماعی برنامه‌ای برای حمایت از افرادی که از عهده فراهم کردن نیازهای زندگی عادی خود بازمی‌ماندند تلقی می‌گردید. در این دوره، تامین اجتماعی مفهومی نزدیک به بیمه‌های اجتماعی داشت. پس از جنگ جهانی دوم\*، نیازهای اولیه انسان‌ها در زمینه‌های بهداشت، غذا، پوشاک، مسکن، حمل و نقل و سوخت، مورد توجه قرار گرفت و دولت موظف به تامین حداقل‌ها برای همه کسانی که قادر به تامین آن نبودند گردید و به تدریج، عنوان «تامین اجتماعی»، جایگزین «بیمه‌های اجتماعی» گردید (رک: موسوی، ۱۳۹۱) در چند دهه اخیر، به جای تلاش برای ارتقای وضع اقتصادی بعضی از افراد جامعه تا حد نزدیک شدن به سطح قابل قبول، بر ارتقای شرایط و کیفیت زندگی برای مجموعه جامعه تاکید می‌شود. در این دوره تامین اجتماعی به مفهوم تکامل یافته‌تری از رفاه اجتماعی □ نزدیک گردید و تا حد برقراری نظام فراگیر بهداشت و درمان، خدمات آموزش ملی، معافیت‌های مالیاتی، قوانین حداقل دستمزد، تضمین خرید محصولات کشاورزی، طرح‌های ساخت و تامین مسکن، پرداخت یارانه‌های مصرفی و تولیدی و... توسعه پیدا کرد. موارد تحت پوشش تامین اجتماعی بسته به سطح توسعه یافتگی و قوانین و تعاریف خاص کشورها متفاوت است؛ بنابراین دست یابی به یک لیست جامعی از آنها که مورد اتفاق همه کشورها باشد مشکل است. (رک: طالب، ۱۳۶۸: ص ۴۹)

\* ص ۱۷: «دوره نوین تامین اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوم دارای ویژگی خاصی است که در دو بعد هدف و شیوه‌های به کار گرفته شده قابل تفکیک است. در این دوره گرایش به تحت پوشش قرار دادن تمام اقشار جامعه مشاهده می‌شود. در این دوره دوم مفهوم از تامین اجتماعی یعنی مفهوم ما به ازایی یا جبرانی و مفهوم توزیعی یا حق فرد در هزینه تامین اجتماعی مطرح گردید. در مفهوم جبرانی که بر سازوکار بیمه اجتماعی منطبق است حقوق تامین اجتماعی با اشتغال بیمه شده مرتبط است. اشتغال و کسب درآمد اولین شرط استفاده از مزایای بیمه است که در مقام تضمین درآمد فرد در نظر گرفته می‌شود. در مفهوم توزیعی مسئله تامین نیاز هر فرد یا رفع احتیاج او بر اساس همبستگی طبیعی میان افراد جامعه مطرح است. در توزیع درآمد تامین حداقل نیاز افراد مطرح است. به این ترتیب هدف تامین اجتماعی در دوره کلاسیک تضمین حداقل معیشت زندگی افراد و حمایت از کسانی بود که حقی بر جامعه داشتند و در مرحله نوین رهایی از نیاز به عنوان هدفی برتر بر رسالت قبلی افزوده شد.» (موسوی و محمدی، همان، ص ۱۷)

□ «منظور از رفاه اجتماعی تلاش‌های انجام شده توسط دولت و سازمان‌های داوطلبانه برای کمک به خانواده‌ها می‌باشد و برنامه‌هایی چون تامین درآمد و حفظ آن در سطح قابل قبول، فراهم نمودن مراقبت پزشکی و ارائه خدمات درمانی عمومی، تامین مسکن، توسعه اجتماعی، مهیا نمودن خدمات برای تسهیل سازوکارهای اجتماعی و فراهم نمودن تسهیلات تفریحی و سرگرمی را شامل می‌شود. به علاوه رفاه اجتماعی قوانین تدوین شده و امکانات در نظر گرفته شده برای حمایت از افرادی که تحت استثمار و بهره کشی قرار دارند و همچنین افراد و گروه‌هایی که مسئول اجتماعی قلمداد میشوند را نیز در بر می‌گیرد.... بنابر این به نظر می‌رسد مفهوم رفاه دارای دو مشخصه زیر باشد:

- ۱- به کارگیری اقدامات رفاهی برای حمایت یا تقویت خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی پایه با این که نیازهای اعضای خانواده برآورده شود.
  - ۲- تقویت ظرفیت و توانایی افراد تا از عهده موقعیت‌ها یا شرایط سخت زندگی بر بیایند. در این نگاه هدف اصلی سیستم رفاه اجتماعی توانمند سازی همه افراد جامعه است تا بدین طریق آن‌ها توان و استعداد بالقوه خودشان را رشد داده شکوفا ساخته و به کمال برسانند.» (همان، ص ۵۹)
- «رفاه اجتماعی یک نظام ملی از برنامه‌ها کمک‌ها و خدماتی است که به تامین آن دسته از نیازهای روانی اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند که اساس بهبود شرایط فردی و اجتماعی است.» (ماکارو، ۱۳۷۸)

## بشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

موسوی و محمدی (۱۳۸۸) در کتاب «مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی» (ص ۶۳) می‌نویسند:

«تامین اجتماعی مفهومی پویاست که با تفسیرهای گوناگونی در ارتباط با فرهنگ، سنت، ارزش‌های انسانی، عقاید، قانون اجتماعی، مرحله توسعه اقتصادی، اندازه جمعیت و منابع مالی تعریف می‌شود و هدف آن است تا کمک‌های مالی در دسترس افراد جامعه قرار گیرد. بنابراین تامین اجتماعی در کشورهای گوناگون دارای مفاهیم مختلف و متفاوتی است. در بعضی از کشورها این واژه به تمامی برنامه‌های دولتی طراحی شده برای حفظ و تامین درآمد اشاره می‌کند. در برخی کشورها اساسا برنامه‌های بیمه اجتماعی را مد نظر قرار می‌دهد. این واژه اولین بار در ایالات متحده امریکا به کار برده شده و با تصویب قانون اجتماعی در سال ۱۹۳۵ رسماً معرفی شد. موارد کاربرد برنامه تامین اجتماعی متفاوت می‌باشد. بعضی از افراد آن را به صورت برنامه‌های مراقبت پزشکی و حمایت از افراد ناتوان و مسن می‌شناسند در حالی که برای بعضی دیگر تامین اجتماعی شامل برنامه‌های اجتماعی است که فراهم کننده کمک‌های مالی نقدی برای افراد بیکار و دیه برای کارگران آسیب دیده در حین کار، پرداخت نقدی به افراد نیازمند، رفاه یا مساعدت دولتی و ارائه خدمات رفاهی و بهداشتی به افراد بر اساس قانون تامین اجتماعی می‌باشد».

زاهدی اصل در کتاب «مبانی رفاه اجتماعی» علت تعاریف متفاوت تامین اجتماعی را تفاوت ماهیت و به خصوص حدود و گستره عام و خاص حمایت‌های تامین اجتماعی در کشورهای مختلف جهان عنوان می‌کند. (رک: موسوی و محمدی، همان، ص ۴۸)

درباره تعاریف ارائه شده برای تامین اجتماعی باید توجه داشت، تعاریفی که در آنها به مصادیق متفاوتی از نیازمندی‌ها و مخاطرات زندگی تاکید شده است، همگی از باب تعریف به حمل شایع است که در آن، ملاک تعریف این است که موضوع از مصادیق محمول باشد. مثلاً وقتی در تعریف انسان می‌گوییم: «انسان حیوان»، روشن است که مفهوم انسان غیر از حیوان است ولی از این جهت که هر انسانی مصداق حیوان است، میان موضوع و محمول اتحاد وجود دارد و همین هم تعریف را توجیه می‌کند. در حالیکه در تعریف به حمل اولی، ملاک تعریف اتحاد مفهومی محمول و موضوع است؛ مانند تعریف انسان به «حیوان ناطق» که اختلاف آنها به اجمال و تفصیل است و گرنه میان آنها اتحاد ماهوی وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت وقتی در تعریف تامین اجتماعی گفته می‌شود: تامین اجتماعی، حمایت جامعه از افراد در مواردی مانند؛ پیری؛ ازکارافتادگی، بیماری، فقر، بیکاری و... است، چنین تعریفی، تعریف به حمل شایع (ذکر مصادیق) است و اگر بخواهیم تعریف جامع و به حمل اولی ارائه دهیم باید به ملاک‌ها و معیارهای حاکم بر مصادیق اشاره کنیم.

به نظر می‌رسد دو عنصر اساسی بتوان برای تعریف تامین اجتماعی ذکر نمود. عنصر اول عبارت است از این که تامین اجتماعی مربوط به نیازهای معیشتی افراد است و ممکن است مصادیق نیازها در جوامع و شرایط مختلف متفاوت باشد. و نکته دوم این که واژه اجتماعی مفید این معناست که در این مفهوم مرتبه و نوعی از نیازها که باید مورد حمایت اجتماعی قرار گیرند مورد نظر است که این امر نیز ممکن است به تناسب ارزشهای مورد قبول هر جامعه‌ای متفاوت باشد. بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت: «تامین اجتماعی حمایتی است که جامعه از نیازهای معیشتی افراد خود به عمل می‌آورد».

مشروعیت، همان پسند افراد جامعه است و این مفهوم به برداشت‌های ذهنی مردم از حکومت باز می‌گردد و بر این اساس شماره و چگونگی مردمی که نظام سیاسی را پذیرفته‌اند در ماهیت مشروعیت دخالت دارد و این امر، خود سبب می‌گردد که مشروعیت بر سه دسته کلی: سنتی، عقلانی و دموکراتیک بخش گردد. در مشروعیت سنتی،

## بشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

مردم با توجه به باورها و سنت‌های اجتماعی و اقتدار و جذابیت یک فرد که او را به عنوان رهبری کارآمد می‌دانند نوع حکومتی را می‌پذیرند؛ اما مشروعیت بر اساس باورهای عقلانی مردم شکل می‌گیرد و چنانچه مردم خود به گونه‌ای مستقیم یا با واسطه اداره‌ی حکومت را برعهده گیرند، آن حکومت مشروعیت دموکراتیک می‌یابد. تامین اجتماعی نیز یکی از مقاصد والای شرعی و اساسی‌ترین پایه‌های عدالت اجتماعی در اسلام است. آموزه‌های اسلامی در این زمینه حاوی عناصر حقوقی، اخلاقی، ارزشی و بینشی ویژه‌ای است که در جامعه صدر اسلام با اتکاء بر آنها الگویی موفق از تامین اجتماعی برقرار گردیده بود. در سده‌های اخیر در بستر بنیادهای فکری و فرهنگی و تحولات صنعتی جوامع غربی الگوی جدیدی از تامین اجتماعی پدیدار گردید و به تدریج در کشورهای اسلامی نیز استقرار یافت. از آنجا که الگوی جدید از جهات متعددی، به ویژه در راهبردهای بیمه‌ای آن، با مبانی اسلامی متمایز بود، ارائه نظریه روزآمد اسلامی در این زمینه را ضرورت بخشید.

### سؤال پژوهش

میان تامین اجتماعی و مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی ایران و بازتاب آن در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چه نسبتی می‌توان تعریف کرد؟

### چهارچوب تحقیق

کتاب «فقه الزکاة» دکتر یوسف قرضاوی (۱۴۲۰ق.) است. وی در این کتاب با تشریح منابع و مصارف زکات و تطبیق آن با مصادیق امروزی تامین اجتماعی، معتقد است با احیا و اجرای زکات اسلامی می‌توان تمامی مشکلات جوامع معاصر در باب تامین اجتماعی را مرتفع نمود و در صورتی که درآمدهای زکات برای مخارج تامین اجتماعی کافی نباشد، می‌توان با الهام از ویژگیهای زکات، نسبت به وضع مالیاتهای حکومتی اقدام نمود و بر این اساس نیازی به استفاده از الگوهای تامین اجتماعی متعارف نخواهد بود.

کتاب «التکافل الاجتماعی فی الاسلام» اثر استاد محمد ابوزهره (بی‌تا) است که ترجمه فارسی آن نیز به نام همکاریهای اجتماعی منتشر شده است. وی در این کتاب پس از تبیین مبانی اعتقادی، اخلاقی، حقوقی و فقهی رویکرد اسلام به تامین اجتماعی، منابع و مصارف تکالیف الزامی و تبریعی اسلام را در تطبیق با موارد تحت پوشش تامین اجتماعی متعارف بررسی نموده است. عبدالله ناصح علوان (بی‌تا)، نیز در کتابی با همین عنوان تکافل اجتماعی در اسلام را بر مبنای احکام و ضوابط اسلامی توضیح داده است.

حسینی، سیدرضا، ۱۳۹۲، نقد و بررسی الگوهای تامین اجتماعی مرسوم و ارائه الگوی سازگار با نگرش اسلامی، الگوهای متعارف تامین اجتماعی هم‌اکنون با چالش‌های فراوانی از جمله بحرانهای عمیق مالی مواجه‌اند. از این رو طراحی الگوی روزآمدی که در ضمن برخورداری از مزایای الگوهای موجود، موجب بروز مشکلات جدیدی نشود، در صدر اولویت‌های پژوهشی سیاست اجتماعی کشورها قرار گرفته است.

احمد قابل (۱۳۸۳) در تحقیق خود تحت عنوان «اسلام و تامین اجتماعی: مبانی و راهکارهای حمایتی و بیمه‌ای در قرآن، روایات، اخلاق و فقه اسلامی» به این نتیجه رسیده است که راهبردهای حمایتی و امدادی تامین اجتماعی مستقیماً قابل استناد به نصوص اسلامی است و راهبردهای بیمه‌ای نیز در قالب یکی از عقود معهود شرعی و یا عقد جدید بیمه، قابل پذیرش است. تلاش وی بر این بوده است که الگوی موجود تامین اجتماعی را به تایید آموزه‌های

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

اسلامی برساند. نکته قابل مناقشه در تحقیق نامبرده این است که ایشان - چنانکه در مقدمه سازمان تامین اجتماعی بر این کتاب نیز تصریح شده است - میان عقود بیمه تجاری و بیمه اجتماعی نوعی وحدت ماهوی قائل شده است. رضا رمضان نرگسی، مبانی مشروعیت در اندیشه سیاسی غرب و اسلام، ۱۳۸۷، از جمله دغدغه‌هایی که پیوسته ذهن سیاستمداران را به خود مشغول داشته، مسئله مشروعیت حکومت‌ها است. از این رو، همواره در پی تأمین پاسخی برای این پرسش است که: چرا باید از حکومت‌ها اطاعت کرد و حکومت این حق را از کجا به دست آورده است.

### مبانی مشروعیت حکومت در اسلام

انسان موجودی مختار است و آزادانه برای رسیدن به کمال تصمیم می‌گیرد و خود را مسئول می‌داند و در این راه نسبت به اطاعت از وحی و فرمان خداوند احساس مسئولیت می‌کند. انسان فطرت خداجو دارد و با اعتقاد به توحید راه وحی را بر می‌گزیند و حاکمیت خود را از طریق پذیرش حاکمیت خداوند اعمال می‌کند که با این پذیرش، حاکمیت خدا بر روی زمین تحقق می‌یابد. پس می‌توان دو نوع حاکمیت را نام برد که عبارتند از:

حاکمیت الهی: این حاکمیت تمام مشروعیت خود را از دین می‌گیرد و از این نظر منبع همه قدرت‌ها چه تکوینی و چه تشریحی جزء قدرت سیاسی خداوند است. در این دیدگاه جامعه سیاسی باید قدرت سیاسی خود را از خداوند بگیرد و مردم صرفاً مطیع محض‌اند. مشروعیت این حکومت ذاتاً از آن خداوند است.

حاکمیت الهی - مردمی: اصول و چارچوب آن از کتاب و سنت است و حاکمیت یافتن حکومت با اتکا به آرای عمومی و انتخاب آزادانه آنان تحقق می‌یابد. در این حاکمیت که به شکل بیعت یا انتخابات بروز می‌کند، اقتدار نهادها، قوای حاکم بر آن و حاکمیت حاکم و حکومت متکی به رضایت مردم است (کاکایی، ۱۳۷۹: ۱۷۳ - ۱۷۲).

در جهان بینی توحیدی و فلسفه سیاسی اسلام، منشأ مشروعیت حاکمیت خداوند است. از نظر اسلام، تنها حاکمی مشروعیت دارد و پیروی از او لازم است که حاکمیت او از ناحیه وحی یا پیامبر (ص) و اوصیای او بیان شده باشد. پس در اندیشه سیاسی اسلام، مشروعیت به معنای منصوب بودن از طرف خدا و مطابقت از طرف خدا و مطابقت با موازین و آموزه‌های دینی اسلام است. حاکم زمانی از سلطه سیاسی مشروع برخوردار است که اولاً، حاکمیت از جانب خداوند، بلاواسطه یا با واسطه، به او واگذار شده باشد و ثانیاً، بر اساس دستورها و قوانین اسلام عمل نماید. بنابراین، اگر دولتی پشتوانه و رضایت مردمی را به همراه داشته باشد و خواسته‌های آنان را برآورده کند، ولی از طرف خداوند مأذون به تشکیل حکومت نباشد و به قوانین شرعی و ارزش‌های دینی هم عمل نکند، مشروعیت ندارد و مردم ملزم به پیروی از آن نخواهد بود (سخی حلیمی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

بر این اساس، در گذر تاریخ، پادشاهان و سلاطین کوشیده‌اند تا حاکمیت خود را به خداوند منتسب نمایند. این امر در تمام زمان‌ها عمومیت داشت و حتی در امپراتوری‌های مصر باستان، فراعنه مصر ادعای خدایی می‌کردند. در اروپای قرون وسطی نیز پادشاهان برای خود مشروعیت الهی قائل بودند و خود را برگزیده خداوند می‌دانستند. در برخی از کشورهای مشرق‌زمین نیز برخی از پادشاهان مستبد، برای مشروع جلوه دادن حکومت‌های خود، عنوان‌های «ضل‌الله»، «سیف‌الله»، «الناصر بالله» و... را به خود نسبت می‌دادند (سخی حلیمی، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

خدایی که آفریدگار همه انسان‌هاست و وجود و عدم همه به اراده او وابسته است اگر کسی را برای اجرای احکام و قوانین خود معین کرد، او مشروعیت می‌یابد و دیگر نیازی به پذیرش و یا عدم پذیرش مردم نیست. وقتی خداوند حق حکومت و ولایت را به پیامبر، امام معصوم و یا جانشین امام معصوم واگذار او حق دارد احکام الهی را در جامعه پیاده کند؛ چون از ناحیه کسی نصب شده است که همه هستی از اوست؛ از این رو در نظریه حکومت اسلامی که

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بر اساس آن حاکم اسلامی از طرف خدوند مجری قوانین و احکام الهی است هیچ نوع تعارضی وجود ندارد و آن نظریه منطبق با اصول عقلانی است. این نظریه نزد معتقدان به خدا قبل قبول است؛ پس نزد کسانی که به خداوند، پیامبر و دین اسلام اعتقاد دارند، معقول ترین راه مشروعیت حکومت این است که خدای هستی آفرین به منظور رعایت مصالح جامعه، حق حکومت بر مردم را به یکی از بندگان خود واگذارد (مصباح، ۱۳۷۹: ۲۰۰).

بر این اساس هیچ کس حق حکمرانی و حاکمیت بر دیگری را ندارد، مگر این که از جانب خداوند باری تعالی منصوب شده باشد. حال سؤال اساسی این است که آیا این حق و منصب را خداوند به کسی بخشیده و این نصب به چه صورتی تحقق پذیرفته است؟ با تتبع در قرآن و سنت به این نتیجه می‌رسیم که حاکم در نظام اسلامی به ۲ گونه معین می‌شود و حکومتش مشروعیت می‌یابد:

شخص حاکم با نص صریح از طرف خداوند تعیین می‌شود چنان که پیامبر اکرم (ص) - به عقیده همه مسلمانان - و امامان معصوم - به عقیده شیعه - به عنوان حاکم از طرف خداوند منصوب شده‌اند. شخص خاصی برای حاکمیت برگزیده نشده است؛ بلکه ویژگی‌ها و اوصاف آن فرد معین شده است (سبحانی، ۱۳۷۰: ۱۰۸). بنابراین حکومت در اسلام به لحاظ مشروعیت صرفاً جنبه الهی داشته و از نصب مستقیم یا غیر مستقیم خداوند بر می‌خیزد و مردم در آن نقشی ندارند؛ به این معنا که اگر مردم به هر دلیل از امام معصوم یا فقیه جامع‌الشرایط روی گردان شوند به ولایت او خدشه‌ای نمی‌رسد و حکومتش مشروعیت دارد؛ چرا که امام و فقیه جامع‌الشرایط شایستگی و مشروعیت خود را برای پیشوایی بر خلق از رأی مردم نمی‌گیرند تا با رأی مردم آن را از دست بدهند. بر این اساس مشروعیت سیاسی در اندیشه و تفکر سیاسی اسلام از نوع شیخوخیت نژادی معتبر در حکومت‌های پادشاهی و قبیلگی نیست؛ همچنین از نوع پدرسالاری، وراثت و ملیت‌پرستی حکومت‌های اشراف‌گرا، نخبه‌گرا، کاریزماتیک و مانند آن نیست. حکومتی با توجه به نظریه سیاسی اسلام حقانیت دارد که به موازین شرعی و الهی پای‌بند باشد.

### جایگاه عدالت فردی و اجتماعی در اسلام (قرآن، روایات و قانون اساسی)

اسلام، در صدد کاهش شکاف برخورداری بین ثروتمندان و نیازمندان و برقراری یک جامعه متقارب و متوازن از نظر برخورداری مادی است. این هدف در سه سطح انجام می‌گیرد:

#### ۱- توزیع عادلانه فرصت‌ها

در هر جامعه‌ای برای رشد و تربیت و شکل‌گیری شخصیت افراد، فرصت‌هایی وجود دارد، توزیع نابرابر این فرصت‌ها عده‌ای را برخوردار و عده‌ای را محروم می‌سازد و توزیع عادلانه فرصت‌ها، امکان رشد و شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌ها را برای همه افراد فراهم می‌سازد و در مراحل بعدی زمینه مناسب رفع محرومیت‌ها را تا حدود زیادی برطرف می‌سازد، مانند فرصت تحصیل علم که در مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی موجب شکل‌گیری شخصیت افراد می‌شود. اگر اینگونه فرصت‌ها برابر در نظر گرفته شود، فرزندان فقرا و محرومان جامعه از جمله روستائیان مناطق دوردست، در کنار فرزندان ثروتمندان، از امکانات تحصیل برابر برخوردار می‌شوند و با رسیدن به مراتب عالی علمی، امکان دستیابی به جایگاه‌های مناسب و در شأن خود را در اختیار خواهند داشت و به طور کلی هرگونه محرومیتی از آنان از بین می‌رود، این هدف در نظام جمهوری اسلامی ایران تحقق یافته است.

#### ۲- توزیع عادلانه امکانات

علاوه بر فرصت‌ها، امکانات عمومی در اختیار دولت است که می‌تواند برابر یا نابرابر توزیع شود و در سطح برخوردارهای مردم اثرگذار باشد، مانند انفعال (منابع ثروت در اختیار دولت جهت مدیریت توزیع) و منابع مالی

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

دولت در بانکها و وجوهی که در تملک بانکها قرار می‌گیرد؛ تقسیم عادلانه اعتبارات بانکی منتهی به رشد همراه با عدالت خواهد شد، البته باید توانایی‌ها و شایستگی‌های مدیریتی، مهارتی و افزایش بهره‌وری در این توزیع مبنا قرار گیرد، رعایت عدالت به معنای نادیده گرفتن این ویژگی‌ها نیست.

### ۳- توزیع عادلانه ثروت

در یک جامعه خانوارها از نظر درآمد به سه گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول: خانوارهایی که درآمد آنان بیش از نیاز متعارف و بالاتر از سطح متوسط زندگی مردم است.

گروه دوم: خانوارهایی که درآمد آنان در سطح متوسط و در حد متعارف رفع نیازهای زندگی است.

گروه سوم: خانوارهایی که یا درآمدی ندارند یا درآمد آنان زیر حد متعارف و متوسط برخوردار مردم است و نیازمندی‌های ضروری آنان تأمین نمی‌شود. برای حل مشکل نابرابری توزیع ثروت از دو راهکار استفاده می‌شود:

۱- استفاده از راهکارهای فرهنگی و تربیتی که براساس ارزش‌های اصیل اسلامی و بینش‌های عمیق فرهنگی پایه‌گذاری می‌شود. ثروتمندان تحت تأثیر این ارزش‌ها به امانت بودن ثروت عطا شده از سوی خداوند اعتقاد پیدا می‌کنند که حق دارند با رعایت اقتصاد و اعتدال از آن برخوردار شوند و مازاد آن را به محرومان (گروه سوم) بدهند و در برابر این انفاق و ایثار در آخرت مشمول پاداش الهی شوند.

۲- استفاده از ابزارهای حقوقی جهت تعدیل ثروت گروه اول و برقراری تأمین اجتماعی برای نیازمندان.

نتیجه استفاده از دو راهکار فوق، تأمین حد استاندارد زندگی برای گروه سوم خواهد بود. براساس روایات متعدد، حق فقرا در اموال اغنیا تا حدی است که آنان را در خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و درمان و سایر نیازمندی‌های زندگی به گروه دوم ملحق می‌کند، به گونه‌ای که در زندگی به رفاه نسبی بدون احساس تنگی و سختی به تعبیرروایات «عائشین بخیر» «بلاضیق و لاتقتیر» دست می‌یابند. ضرورت تعدیل ثروت از آیات شریف قرآن و روایات و سیره پیامبران (ص) و امامان معصوم بدست می‌آید و دلایل اقتصادی تعدیل ثروت که موجب رشد و شکوفایی اقتصادی می‌شود و دلایل اجتماعی و اخلاقی این اقدام که موجب وحدت و همبستگی اعضای جامعه اسلامی می‌شود و آثار ناگوار جامعه طبقاتی از بین می‌رود.

همچنانکه ابزارهای حقوقی اجرایی شدن تعدیل، مانند استفاده از امکانات بخش عمومی جهت ایجاد اشتغال، استفاده از منابع مالی در اختیار دولت و بانک‌های دولتی جهت تأمین سرمایه لازم برای اشتغال گروه سوم، منع از احتکار و انحصار، منع از اسراف و تبذیر، حرمت ربا، تقسیم ارث، تشویق به ترک تجملات، انفاقات واجب، استفاده از اختیارات حاکم اسلامی برای برقراری توازن ثروت در جامعه بیان شده است. (حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم - عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام)

### بررسی مفهوم عدالت اجتماعی

در اندیشه اسلامی، عدالت به‌عنوان یکی از اصول مورد بحث درباره خداوند مطرح است. در فقه نیز به‌عنوان یک اصل اخلاقی مانند عدالت قاضی، شاهد، امام جماعت یا شاهد طلاق، به آن توجه شده است. مبنایی‌ترین تعریف از عدالت که به‌وسیله اسلام‌شناسان و اندیشمندان سیاسی قدیم و جدید صورت گرفته است، به ترتیب اولویت، در دو تعریف مرتبط و مکمل زیر خلاصه می‌شود:

۱. عدالت به معنای «وضع کل شیء فی موضعه»؛ قرار دادن هر چیز در جای مناسب خویش.

۲. عدالت به معنای «اعطاء کل ذی حق حقه»؛ عطا به میزان استحقاق و حق را به حق‌دار رساندن و استیفای حقوق.

## هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

برخی اندیشمندان ضمن انتخاب تعریف اول عدل، این مفهوم را مانند بسیاری از مفاهیم ارزشی دیگر، برگرفته از جهان آفرینش و امور تکوینی می‌دانند. مطابق این دیدگاه، در نظام آفرینش، هر پدیده‌ای در جای خود قرار گرفته است و متناسب با وضع خود، وظیفه خویش را انجام می‌دهد. این سازگاری، هماهنگی و تناسب کامل، بیانگر عدل آفرینش است و انسان نیز این حالت را از امور تکوینی انتزاع می‌کند. از این‌رو، در اجتماع نیز اگر هرکس به وظیفه خاص خود به صورت مناسب عمل کند، آن وضع عادلانه است.

حال پرسش اینجاست آن عدالتی که در آیات و روایات به آن دستور داده شده است (به معنای تشریحی)، چیست؟ در پاسخ باید گفت با توجه به آنچه اندیشمندان و بزرگان بیان کرده‌اند، می‌توان به سفارش آیات و روایات درباره عدالت اجتماعی پی برد؛ این عدالت، عدالتی پویا و سازنده است که صاحب آن برای تحقق جامعه آرمانی جهت نیل انسان‌ها به کمال می‌کوشد. خداوند با تعبیری استوار به انسان‌ها دستور می‌دهد: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ؛ ای مؤمنان! برپادارندگان عدل و گواهی‌دهندگان برای خدا باشید.» (انعام: ۱۵۲) این عدل که شریعت و دین به آن سفارش می‌کند، بسیار سخت و دشوار است. از این‌رو، تعبیر قرآن، «قوام» است، نه «قائم» که این نشانه دشواری و سنگینی عدل است. بنابراین، انسان باید به تجربه عدل را بر پا دارد تا از پس آزمون‌های سخت، از «قائمیت» به «قوامیت» برسد. (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۲۰۸)

این دعوت و دستور به قوام بودن، به یقین فراتر از یک امر فردی و شخصی است؛ در اقسام عدالت فردی و آنچه که در فقه مطرح است، عدالت یک امر اخلاقی است، آن‌چنان‌که جود یک امر فردی است و در جای خود سزاوار و شایسته. از این‌رو، احسان در کنار عدل مطرح شده [نه جود] و امری مجزا و متفاوت از عدل است. با این توضیح، عدل در حیطه اجتماع و در برابر دیگران، امری مجزا، با مفهومی دقیق و دشوار است که نیاز به تلاش و تکاپو دارد. به همین دلیل است که شهید مطهری در تبیین این عدالت می‌گوید: «فرق است بین عادل و عدالت‌خواه... یکی شخصاً آدم عادل است و یکی عدالت‌خواه است؛ عدالت فکر اجتماعی اوست، [مثل] اینکه یکی صالح است و دیگری اصلاح‌طلب؛ در آیه کریمه قرآن می‌فرماید: «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» قیام به قسط، یعنی اقامه و به پاداشتن عدل و این غیر از عادل بودن از جنبه شخصی است.» (مطهری، ۱۳۷۷: ۸)

### مصادیق عدالت اجتماعی

عدالت در بخش‌های مختلف اخلاقی، دینی، سیاسی، اداری، اقتصادی، نظامی، حقوقی، آموزشی، تربیتی و فرهنگی قابل تحلیل و بررسی است؛ زیرا جامعه زمانی سامان می‌یابد که با اصلاح کمبودها، کاستی‌ها و مفاصل موجود در این بخش‌ها، زمینه برپایی عدالت فراهم شود. در غیر این صورت، جامعه و نظام رفتاری دچار آشفتگی، اختلاف و اختلال می‌شوند. این نگاه همه‌جانبه می‌تواند مصلحان اجتماعی را در اجرای عدالت اجتماعی یاری کند. به لحاظ اهمیت عدالت سیاسی و اقتصادی در قوام عدالت اجتماعی، این دو را بررسی می‌کنیم:

#### ۱. عدالت سیاسی

عدالت اجتماعی و سیاسی که به سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها پیوند خورده، قدری با اهمیت است که هیچ ملت و مکتب و اندیشمند سیاسی و اجتماعی آن را نادیده نگرفته است و حتی حکومت‌ها و زمامداران جور نیز سعی بر آن داشته‌اند که ریاکارانه، خود و نظامشان را مُتَّصِف به آن بدانند و هدف خود را عدالت اعلام کنند.

عدالت سیاسی، در برقراری توازن در توزیع قدرت به کسانی که شایستگی اداره امور جامعه را دارند، معنا پیدا می‌کند. کسانی که در جامعه منطبق بر تعالیم الهی صاحب قدرت شدند، باید به چشم امانت به آن بنگرند و امکانات



## هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

و سرمایه‌های جامعه و حکومت را به صورت عادلانه و بر اساس استحقاق افراد به آنها اعطا کنند. از برخی کلمات امیرمؤمنان، علی(ع) برمی‌آید که جامعه زمانی اصلاح می‌شود که روابط سیاسی جامعه معتدل شود؛ یعنی رابطه دستگاه حاکم با مردم، رابطه‌ای صادقانه و قانونی باشد و هیچ کدام از محدوده اختیارات و وظایف خود تجاوز نکنند. از این رو، نخستین مصداق عدالت را می‌توان اصلاح نظام سیاسی و نجات آن از کجی و کاستی دانست. در این باره حضرت علی(ع) فرموده است:

فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاءِ وَ لَا تَصْلُحُ الْوَلَاءُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ فَإِذَا أَذَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَّى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهُ غَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ... (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)

پس حال رعیت نیکو نگردد جز آنکه والیان نیکو رفتار باشند و والیان نیکو رفتار نگردند جز آنگاه که رعیت. درستکار باشند. پس چون رعیت حق والی را بگذارد و والی حق رعیت را بجای آرد حق میان آنان بزرگ مقدار شود و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برجا و سنت چنانکه باید اجرا گردد.

با دقت در کلمات فوق، درمی‌یابیم صلاح جامعه به اصلاح روابط سیاسی دوسویه مردم با دستگاه حکومتی و دستگاه حکومتی با مردم وابسته است. در چنین حالتی، روابط اجتماعی نیز سامان می‌گیرد. حال اگر روابط سالم از حالت اعتدال خارج شود، نظام اجتماعی نیز متزلزل و بی‌نظم و در همه ابعاد دستخوش فساد می‌شود. (همان)

امام علی(ع) اصلاح نظام سیاسی را نشانه همه اصلاحات فرهنگی، اجتماعی و... و فساد در نظام سیاسی را زمینه فساد در همه زمینه‌ها می‌داند. در این بیان، رابطه سیاسی، ارتباطی دوسویه است که حکومت و قدرت در آن، برتری و والامندی نیست، بلکه صاحبان قدرت در برابر مردم مسئولند و مردم نیز در این رابطه باید حقوق سردمداران که در واقع امانت‌داران آنان هستند را مراعات کنند. از این رو، تفاوت اساسی نظام الهی با دیگر نظام‌ها، در بر پایی این عدالت سیاسی است، به گونه‌ای که در این نظام برخلاف دیگر نظام‌ها، همه طرفین در آن مسئولیت دارند؛ یعنی همان اندازه که حاکم باید در ایفای حقوق مردم بی‌تفاوت نباشد، مردم نیز باید به مسئولیت و حقوقشان در جامعه توجه داشته باشند. در بخش دیگر، حضرت شرایط اصلاح جامعه را در گرو اصلاح خواص می‌داند که ما در بیان اهرم‌های ایجاد عدالت اجتماعی، بدان بیشتر خواهیم پرداخت.

### ۲. عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی را می‌توان از مهم‌ترین مصادیق عدالت اجتماعی دانست که نبود آن، مفاسد بی‌شماری را در پی خواهد داشت. در نظام عادلانه اقتصادی باید ثروت جامعه به شکل عادلانه میان همگان توزیع شود، به گونه‌ای که حق هر صاحب حقی ادا شود. ایجاد شرایط و زمینه مناسب به منظور بهره‌مندی از مواهب الهی برای آحاد جامعه، از لوازم نظام عادلانه است تا در سایه آن، افراد بتوانند به سبب استعداد و توانایی و تلاششان صاحب حق شوند. البته نباید پنداشت عدالت، توزیع یکسان سرمایه‌ها بدون در نظر گرفتن توانمندی و تلاش افراد است؛ زیرا این نگرش که گریبانگیر برخی کسانی شده است که سنگ عدالت را به سینه می‌کوبند، در واقع آسیبی است که با صریح آیه قرآن: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ نیست حاصلی برای انسان مگر آنچه را که تلاش می‌کند»، ناسازگار است.

با این دیدگاه در اسلام، اموال سه دسته‌اند: یک دسته را باید یکسان در میان همه تقسیم کرد؛ دسته دوم را باید به تفاوت میان همه افراد تقسیم کرد و دسته سوم از اموال به صورت ویژه میان برخی تقسیم می‌شود. پس مساوات درباره همه افراد در جایی جریان دارد که همه افراد همدوش و همسان در انجام کاری دخالت داشته باشند؛ مانند جنگ، ولی اگر افرادی تلاش بیشتری داشته باشند باید بهره بیشتری ببرند. حضرت علی(ع) اموال بیت‌المال را در

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

قالب دسته اول، یعنی به صورت مساوی میان همه تقسیم می‌کردند و در مقابل زیاده‌خواهی برخی‌ها که ادعای حمایت و یاری حضرت را داشتند، به مقابله برمی‌خاست و می‌فرمود: «تأمرونی ان اطلب النّصر بالجور؛ آیا از من می‌خواهید که با ستم به پیروزی دست یابم.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۶) پس عدالت اقتصادی، یک سطح ابتدایی دارد که همه مردم باید به اندازه بهره‌مندی ابتدایی به صورت یکسان برخوردار باشند تا جامعه دچار فقر و آفات آن نشود و در سطح بالاتر، بستگی به تلاش و تکاپو و توانمندی آنها دارد. از این‌رو، حضرت علی علیه السلام به نفی مساوات بدون در نظر گرفتن استحقاق مبادرت می‌ورزد و با نگاه آسیب‌شناسانه، عدالت اقتصادی را این‌گونه شرح می‌دهد:

وَ إِنِّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ.

همانا بخشیدن مال به غیر مستحق، ناروا و اسراف است؛ این کار، بخشنده مال را در دنیا بلندمرتبه می‌سازد و در آخرت، خوار می‌گرداند؛ یعنی در میان مردم گرامی‌اش می‌کند و نزد خدا رسوایش می‌سازد. (همان)

این نکته از آن جهت اهمیت دارد که مبدا بپنداریم عدالت هم‌طراز با مساوات است. از این‌رو، اینکه برخی شعار پرطرفدار مساوات را سر می‌دهند، تنها زمانی با حق و عدالت برابر است که مربوط به اموال دسته اول باشد؛ زیرا عدالت واقعی زمانی است که هم تفاوت و هم ویژگی‌ها، در جای خود مدنظر قرار گیرد؛ «اعطاء كل ذي حق حقه»، یعنی همین.

در حقیقت، تفاوت عمده و اساسی عدالت مورد نظر آیات، روایات و کلام علوی با آنچه امروزه از مساوات در نگاه اندیشمندان غربی و صاحب‌نظران غیراسلامی بازگو شده است، در همین نوع نگرش است. خداوند متعال در بهره‌مندی همگانی از مواهب می‌فرماید: «وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ.» (الرحمان: ۱۰) با این توضیح، در صورتی که عدالت اقتصادی به معنای پیش‌گفته تحقق نیابد و توزیع نابرابر امکانات و ثروت صورت گیرد، فاصله طبقاتی و فقر، نتیجه آن خواهد شد که مفاسد فراوانی را به همراه خواهد داشت.

جایگاه تأمین اجتماعی به عنوان مهمترین رکن عدالت اجتماعی (هم در اسلام و هم در عرف بین الملل □)

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ سُطَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا سُطَّ قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي سُطَّ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

«لولا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء الاّ یقاروا علی کفّ ظلّم و لا سَعَبِ مظلوم لألقیت حبلها علی غاربها و لسقیت آخرها بكأس اولها و لألفیتم دنیاکم هذه أرهد عندی من عَفْطَةَ عَنزٍ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳)

اگر اجتماع مردم به دور من و نیاز آنان به رهبری نبود و اگر به خاطر اعلام یاری مردم، حجت بر من تمام نمی‌شد و اگر خداوند از علما پیمان نگرفته بود که بر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستمدیده آرام نگیرند، من ریسمان و افسار حکومت را بر کوهان آن می‌انداختم و با همان ظرفی که درخت خلافت را اولین بار آب دادم (و در خانه نشستم) اکنون هم آب می‌دادم و خود به خوبی درک می‌کردید که این دنیای شما با مال و مقام و حکومتش نزد من بی اعتبارتر از آبی است که به هنگام عطسه کردن از بینی بزغاله بیرون می‌آید.

«والله لو كان عندی ثمن إزار ما بعته» (بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۳۵۰)

□ در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر تأمین اجتماعی از جمله حقوق اساسی انسان‌ها شناخته شد و سازمان بین المللی کار (ILO) و اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی (ISSA) در شعار اصلی خود اعلام نمودند که «صلح پایدار بدون عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی بدون تأمین اجتماعی نمی‌تواند وجود داشته باشد» (رک: پناهی، ۱۳۷۶، ص ۷۲)

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

عدالت اقتصادی امام (ع): وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ( لَمَّا عُوتِبَ عَلَى التَّسْوِيَةِ فِي الْعَطَاءِ أَتَا مُرُونِي أَنْ أَطْلَبَ النَّصَرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيَتْ عَلَيْهِ وَ اللَّهُ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرًا، وَ مَا أَمْ نَجَمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا وَ لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ، وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا، وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ، وَ يُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ، وَ لَمْ يَضَعْ أَمْرًا مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ، وَ كَانَ لِعَيْبِهِ وَ دُؤْبَهُمْ، فَإِنْ زَلَّتْ بِهِ النَّعْلُ يَوْمًا فَاجْتَاحْ إِلَى مَعُونَتِهِمْ فَشَرَّ حَدِيدٍ وَ أَلَامُ خَلِيلٍ.

آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! تا عمر دارم، و شب و روز برقرار است، و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست، آگاه باشید! بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است، ممکن است در دنیا ارزش‌دهنده آن را بالا برد اما در آخرت پست خواهد کرد، در میان مردم ممکن است گرامیش بدارند اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است. هیچ کس مالش در راهی که خدا اجازه نفرمود مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت جز آنکه خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود، و دوستی آنها را متوجه دیگری ساخت، پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان گردد، بدترین رفیق و سرزنش‌کننده‌ترین دوست خواهند بود.

### حاکمیت عدالت اجتماعی بر تامین اجتماعی

عدالت اجتماعی از جمله مهمترین اهداف و ارکان نظام جمهوری اسلامی است که در قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است. از نگاه طراحان قانون اساسی، هدف نهایی همه انسان‌ها تکامل معنوی است، و لازمه آن تحقق قسط و عدل در تمام اجزا و عناصر جامعه و فراهم شدن وسایل و امکانات پیشرفت برای همه افراد است. از دیدگاه قانون اساسی ضابطه‌ای که باید در پرتو آن، آحاد جامعه هر یک سهم خود را از امکانات پیشرفت به دست آورند «عدالت اجتماعی» است و به همین جهت در ضمن اصول متعددی، معیارها و شاخص‌های عدالت اجتماعی را تبیین نموده است. رفع تبعیض، رعایت مساوات در اجرای قانون برای همه، ایجاد شرایط مساوی برای همگان جهت اشتغال به کار، رفع فقر و محرومیت و بالاخره رعایت حقوق اساسی و اکتسابی افراد از جمله حق برخورداری از تغذیه، آموزش، مسکن و... از این جمله‌اند. □

□ در بندهای شانزده گانه اصل سوم و سایر اصول قانون اساسی، به برخی از اصول و معیارهای عدالت اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی اشاره شده است: در بند نهم اصل شانزدهم « رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی»، در بند دوازدهم، « پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه»، در بند چهاردهم، «تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» و در بند شانزدهم، «تعهدبرادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین در اصل بیست و هشتم آمده است: «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز شغل ایجاد کند». در اصل سی ام، «آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه» و در اصل سی و یکم، «داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده ایرانی» دانسته است (به ویژه برای روستائیان و کارگران) افزون بر این، در اصل چهل و سوم از فصل چهارم که مربوط به اقتصاد و امور مالی است، دوباره بحث از «ریشه کن کردن فقر و محرومیت، تأمین نیازهای اساسی، مسکن، خوراک و پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه»، و «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل...» به میان آمده است و بالاخره در اصل چهاردهم قانون اساسی در باره لزوم رعایت عدالت نسبت به غیر مسلمانان سخن گفته شده است. (رک: توسلی، ۱۳۸۲، ص ۸۱ - ۱۰۲)

## هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی شرف؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اگر به طور خلاصه عدالت اجتماعی را به معنای رعایت حقوق متقابل افراد، گروه‌ها و دولت بدانیم، قانون اساسی در فصل سوم و اصول ذیل آن، به تفصیل اینگونه حقوق را بیان نموده است. در این راستا در اصل بیست و نهم قانون اساسی، تامین اجتماعی به عنوان یکی از حقوق اساسی ملت و یکی از راهبردهای مهم اجرای عدالت اجتماعی و شرط لازم برای نیل انسان به مقام شایسته خود، مورد تاکید قرار گرفته و آمده است: «برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، دراهماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی؛ دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تامین کند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که از دیدگاه قانون اساسی، تامین اجتماعی یکی از پایه‌های عدالت اجتماعی و از جمله مهمترین راهبردهای عملی آن است که دولت موظف به برقراری آن گردیده است.

### جایگاه و اهمیت تامین اجتماعی در میان وظایف حکومت اسلامی

#### مبانی تامین اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی به رهبری بنیانگذار فقید آن حضرت امام خمینی قدس «سره» در حالی به وقوع پیوست که طی قرون متمادی، تعالیم اسلامی از صحنه نظام سیاسی کشور غایب بود و در اثر جور حاکمان طاغوت و پیروی از الگوهای تامین اجتماعی بیگانه، فقر و محرومیت گسترده و شکاف طبقاتی عمیق میان شهر و روستا و مناطق فقیر و غنی، وضعیت بسیار نامطلوبی از رفاه و تامین اجتماعی را به وجود آورده بود. از این رو برقراری عدالت و رفع فقر و محرومیت از افشار مختلف جامعه در زمره اهداف اصلی انقلاب اسلامی قرار گرفت و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سند بنیادی تنظیم نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه و طراحی خطوط اساسی نظام نوین حکومت اسلامی، در جهت عینیت بخشی به ارزشهای والا و جهان شمول اسلامی، با اهتمام ویژه‌ای خطوط کلی تامین اجتماعی در جمهوری اسلامی را ترسیم نمود. اهم این مبانی را می‌توان در چند محور زیر بیان نمود.

#### اهداف تامین اجتماعی

در باره اهداف تامین اجتماعی در الگوهای مختلف در فصول پیشین بحث نمودیم. در این زمینه صرف نظر از برخی اختلافات جزئی که در شیوه بیان و کم و کیف اهداف در الگوهای مختلف وجود داشت، قدر مشترک همه الگوها به «تامین نیازهای معیشتی افراد و فراهم نمودن سطح زندگی مناسب برای آنان» بازگشت می‌نمود. گرچه در این سطح از بیان، چنین هدفی برای تامین اجتماعی اسلامی نیز پذیرفتنی است اما جهت درک بهتر ویژگی اهداف تامین اجتماعی در نگرش اسلامی توجه به دو نکته ذیل را لازم می‌دانیم.

یک) تامین نیازهای معیشتی افراد در الگوی اسلامی صرفاً هدفی مقطعی در راستای رفع معضلات و چالش‌های سیاسی- اجتماعی نیست، بلکه همانگونه که در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به آن تصریح شده است بر خاسته از اعتقاد راسخ اسلامی به «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسوولیت او در برابر خدا»\*\* است.

\*\* قرضلوی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۱ در این باره می‌گوید: هر گاه انسانی مالکیت اشیا را در اختیار بگیرد بیشتر به منزلت خویش پی می‌برد و کرامت و سیادت و قدرت را در خود احساس می‌نماید. اما چنانچه مشاهده نماید که دیگری همه چیز را در اختیار دارد و او از همه چیز محروم است آن احساس به کرامت و منزلت انسانی خویش را از دست می‌دهد و بالعکس احساس کمبود و سرافکندگی و ناتوانی و خواری در مقابل ثروتمندان در او ایجاد می‌گردد... قرآن با رساترین و شیواترین بیان مالکیت را در کنار کرامت و سیادت و قدرت قرار داده و فقر و ناداری را زمینه‌ساز بردگی و سرافکندگی و

## هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی شرف؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

دو) تامین نیازهای معیشتی در نظام‌های فکری مختلف به تناسب نوع نگرش آنها به اهداف نهایی و فلسفه زندگی انسان ماهیتی متفاوت پیدا می‌کند و به تبع آن عناصر الگوی تامین اجتماعی مانند کیفیت تامین نیازها، نوع نیازهای تحت پوشش، راهبردهای رفع نیاز، منابع مالی و... الگوها، متفاوت می‌شوند. مثلاً از آنجا که غایت جامعه مدنی امروزی در جوامع سکولار عبارت است از لذت بردن از ماده (رک: الطباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۴، ص ۱۵۳)، با چنین نگرشی حداکثر کردن لذت ناشی از مصرف کالاها و خدمات و لو از کالاهای حرام و غیر طیب و تبلیغات اغواکننده، تامین نیازهای جنسی افراد و لو از راههای غیر مشروع و بی‌اعتنایی به حمایت از تشکیل خانواده، اعتماد بر روش‌های کمی و محاسبات آماری در تامین منابع مالی و تخصیص مزایا بدون توجه به مبانی عدالت و استحقاق شرعی و... کاملاً منطقی محسوب می‌شوند. اما در نگرش الهی به زندگی، برای این که تامین نیازهای معیشتی در راستای تکامل معنوی افراد قرار داشته باشد، نیازهای مصرفی صرفاً در چارچوب کالاهای حلال و طیب، همراه با قناعت و به دور از اسراف و اتراف برآورده می‌شوند، ارضاء نیازهای جنسی حتماً باید از طرق مشروع و اهتمام به تشکیل خانواده صورت پذیرد و...

یکی از جلوه‌های مهم تاثیر جهت‌گیری الهی تامین نیازهای معیشتی در الگوی تامین اجتماعی اسلامی، تاکید بر روشهایی چون زکات و انفاق است که علاوه بر نقش اقتصادی که در رفع نیاز فقرا ایفا می‌کنند، از برترین انواع عبادات خداوند و راه تقرب به او نیز به حساب می‌آیند. درحالیکه در روشهای مرسوم تامین اجتماعی به ویژه روشهای بیمه‌ای چنین اثری بر شیوه مشارکت افراد در تامین اجتماعی بار نمی‌شود. □□

### مبانی تامین اجتماعی

پس از اهداف، مهمترین عامل در تعیین ماهیت یک نظام تامین اجتماعی زیربناهای بینشی و ارزشی، مبانی اجتماعی، منطق حاکم بر تعیین روابط فیما بین طرفهای ذی‌ربط و حق و حقوق متقابل افراد و به طور کلی زمینه‌ای است که نهاد تامین اجتماعی در درون آن شکل می‌گیرد. در این بخش به بررسی این مبانی از منظر اسلام خواهیم پرداخت.

### مبانی اعتقادی

پایه‌های اعتقادی تامین اجتماعی در نظام الهی، علاوه بر آنچه که در ضمن اهداف تامین اجتماعی بیان گردید شامل برخی گزاره‌های اساسی در باره حقایق عالم هستی است که در شکل دهی به الگوی تامین اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌نمایند، اهم این عقاید عبارتند از:

---

ناتوانی دانسته و در قالب مثالی این موضوع را بیان نموده و فرماید: صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (النحل، ۷۵)

□□. مثلاً در آیه زکات «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳) به وضوح بر تاثیر زکات بر پاک شدن مال از آلودگی و طهارت و تزکیه نفس انسان اشاره شده و این اثر در آیات انفاق وضوح و تاکید بیشتری بیان شده است که از آن جمله می‌توان به آیات زیر اشاره نمود.

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران: ۹۲) - «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۱۹۵) - «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلٍ مِئَةٌ مِنْ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱) - «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَّا يَأْتِيَ قُرْبَةَ لَهُمْ سِئِدْ خِلْفَهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۹۹) - «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (بقره: ۲۷۰)

هشتمین کتبخانه الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی شرف؛ پشیمانان، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

آرامش‌دهنده حقیقی خداست.

دستیابی به اهداف تأمین اجتماعی از این منظر که به دنبال برقراری آرامش و امنیت روانی برای افراد و رفع نگرانی‌های آن‌ها نسبت به آینده است مستلزم درک صحیح از حقیقت آرامش و امنیت انسان و عوامل زمینه ساز آن است. بر اساس تعالیم قرآنی آرامش‌دهنده حقیقی انسان خدای متعال است. «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ» (حشر، ۲۳) خداوند را از آن جهت مؤمن نامیم که به بندگان خود امان می‌دهد. چنان که در سوره قریش می‌فرماید: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَأَمَّنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ» [قریش، ۴]. و نیز می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ» (فتح: ۴) از این رو قرآن کریم امنیت و آرامش خاطر واقعی انسان را در گرو ایمان به خدا و یاد او می‌داند. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۹) «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام: ۸۲) چنانکه در نقطه مقابل کفر و اعراض از یاد خداوند را مایه ناامنی و تشویش خاطر انسان معرفی نموده است. «وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ» (حج: ۳۱) «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه، ۱۲۴) علامه طباطبائی در تفسیر این دو دسته از آیات قرآنی می‌فرماید:

مومن به سبب ایمان به خدای متعال متکی به پشتوانه محکم و استواری است که هیچگونه تزلزلی در آن راه ندارد، کارهای خود را بر مبنای معارف واقعی که قابل شک و تردید نیستند بنا می‌نهد، اقدام به کار او بر اساس تکالیف الهی صورت می‌گیرد که شکی در آن راه ندارد و چون امور خود را به خدا واگذار می‌کند چیزی را به خود نسبت نمی‌دهد که نگران فوت و یا از دست دادن آن باشد و یا در تشخیص خیر و شر آن دچار اضطراب شود... آیات قرآنی هر گونه خوف، حزن، اضطراب و عدم اطمینان را در جانب کفر و نقطه مقابل آن را در جانب ایمان قرار می‌دهد. (الطباطبائی، همان، ج ۲، ص ۲۸۹ - ۲۹۱)

تقوی بهترین پشتوانه برای زندگی توأم با آرامش است.

تأمین اجتماعی پدیده‌ای است که در روابط میان افراد با یکدیگر رخ می‌دهد و از آنجا که انسان در این زمینه علاوه بر حس نوعدوستی دارای انگیزه خودخواهی و طغیان نسبت به دیگران نیز هست، در شرایطی که نسبت به آینده اطمینان نداشته باشد ممکن است برای تضمین آینده خود در صدد طغیان و استثمار دیگران باشد. از این رو آرامش اجتماعی او مستلزم در اختیار داشتن دستورالعملی برای تنظیم روابط اجتماعی و برخورداری از انگیزه‌های نیرومند برای رعایت آن است. خدای متعال چنین دستورالعملی را در قالب احکام و دستورات دینی در اختیار انسان قرار داده و رعایت آن‌ها را تحت عنوان «تقوا» بهترین پشتوانه و مایه برخورداری از زندگی امن معرفی نموده است. يَا بَنِي آدَمَ إِذَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ آتَقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (اعراف: ۳۵) ؛ «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ» (دخان، ۵۱). «تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره: ۱۹۷) در برخی از آیات نورانی قرآن کریم تقوا به عنوان کفیل زندگی انسان معرفی شده است. چنانکه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَأَمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ ۖ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ» (حدید: ۲۸). معاذبن جبل می‌گوید از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که فرمود:

□□ «اوست آن کس که در دلهای مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند»

□□ کفل (بر وزن طفل) به معنی بهره‌ای است که نیاز انسان را بر طرف کند و ضامن را از این جهت کفیل گویند که مشکل طرف مقابل را کفایت می‌کند و بهره و نصیب او را به او می‌دهد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۲۳، ص ۳۹۵)

هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ابتلای به فقر و غنی از سنت‌های الهی برای آزمایش انسان و پیشرفت جامعه است.

در بینش اسلامی ابتلای به فقر و حوادث از واقعیات عالم هستی است که خداوند به حکمت بالغه خودش آن را برای آزمایش بشر و کسب استحقاق رشد و تعالی او قرار داده است. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵). بنابراین رفع نیاز نیازمندان باید در راستای این سنت الهی صورت پذیرد. به این معنا که وقتی فقیر برای کسب روزی تلاش می‌کند این تلاش موجب پیشرفت جامعه و خودش می‌شود و در صورتی که تلاش او قرین موفقیت ظاهری نباشد ضمن این که او توصیه به صبر و توکل شده است ثروتمندان جامعه وظیفه دارند به او انفاق کنند و این کار مایه رشد و تعالی خود آنهاست. تاکیدات بلیغ و مداوم قرآن کریم به انفاق و تذکر نسبت به عواقب هلاکت بار ترک آن حاکی از این واقعیت است که انفاق در نظام الهی صرفاً یک مسئله عاطفی برای دلجویی از فقیران نیست، بلکه راهکار بی نظیر دستگاه خلقت برای پیشرفت و تعالی همه آحاد جامعه اعم از فقیر و غنی است. گویا همانطور که تشکیل خانواده توسط دو جنس مخالف، سنت الهی برای تکامل هر یک از آنها و حفظ نسل بشریت است، انفاق غنی بر فقیر هم قانون خلقت برای پیشرفت توأم با معنویت و عدالت فرد و جامعه است و در بسیاری از آیات قرآنی به این مطلب اشاره شده است. (رک: توبه: ۱۰۳؛ توبه: ۹۹؛ بقره: ۹۵؛ بقره: ۲۶۱؛ آل عمران: ۹۲)

#### مبانی اخلاقی و ارزشی

مبانی اخلاقی و ارزشی الگوی اسلامی دارای تمایزات آشکاری نسبت به مبانی اخلاقی الگوی متعارف است. در این الگو به دلیل این که هدف نهایی، رسیدن به مقام قرب الهی است، هر آنچه مرضی خدای متعال باشد خوب است و لو آنکه با تمایلات نفسانی انسان ناسازگار باشد «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». یکی از ویژگی‌های معیار خشنودی خداوند این است که برخلاف معیار لذت‌گرایی که فقط خصلت فردگرایانه دارد، دارای خصلت جمع‌گرایانه نیز هست؛ زیرا بر اساس معیار خشنودی خداوند، هر کاری که فرد در جهت مشارکت اجتماعی انجام دهد، مستوجب پاداش الهی خواهد بود و بدین طریق، منافع جمعی در زمره منافع فرد داخل، و مشکل دیرینه عدم هماهنگی بین منافع فردی با منافع اجتماع به طور اصولی حل می‌شود (توبه، ۷۲).

در آیات و روایات صفات و اعمال اخلاقی برخاسته از مبنای فوق به تفصیل بیان شده است. که اهم آن‌ها عبارتند از: ممدوح بودن صفات و افعالی چون: طلب روزی حلال، بی‌نیازی از دیگران، کم‌خرج و پرخیر بودن، نظم و انضباط کاری، زهد و قناعت، تعاون و همکاری، تقوا، توکل، اعتدال، آخرت‌گرایی، شکر، صداقت، امانتداری، عدالت‌ورزی، برادری، ایثار، مواسات، نودوستی، خوش‌رویی، احسان و نیکی به والدین، اولاد، اقربا، ضعفا، فقرا و...؛ صلّه‌الارحام؛ عطوفت و مهربانی نسبت به مؤمنان و... و مذموم بودن برخی دیگر چون: بطالت و تنبلی، گدایی، حرص، طمع، اسراف و تبذیر، اتراف، وابستگی به مال دنیا، بخل، کنز، احتکار و... (رک: ری شهری و حسینی ۱۳۸۶، صص ۳۷۳-۳۹۷ و ۴۵۳-۴۶۲)

ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی فوق نقش تعیین‌کننده‌ای در کارکرد نظام تأمین اجتماعی دارند. در جامعه‌ای که اخلاق لذت‌طلبی، فایده‌گرایی، فردگرایی، رقابت در ثروت‌اندوزی و... حاکم باشد، هر نوع پرداخت و اقدام در جهت کمک به هزینه‌های تأمین اجتماعی امری نامطلوب و هزینه‌بر تلقی خواهد شد و بالعکس استفاده مجانی از پرداخت‌های تأمین اجتماعی امری مطلوب خواهد بود که ممکن است روحیه تنبلی و بیکاری را تشدید نماید.

## بشترین کفر اس‌الکوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اما نظام اخلاقی اسلام به گونه‌ای است که مشارکت در تجهیز منابع مالی تأمین اجتماعی افزایش و متقابلاً استفاده از کمک‌های تأمین اجتماعی را کاهش می‌دهد.

### مبانی رفتاری

در علم اقتصاد معمولاً رفتارهای اقتصادی به سه حوزه تولید، توزیع و مصرف تقسیم می‌شوند. در این قسمت بر مبنای همین تقسیم بندی به بررسی مبانی رفتاری الگوی تأمین اجتماعی مطلوب می‌پردازیم.

### کار و تولید

موفقیت یک نظام تأمین اجتماعی در گرو وجود منابع کافی برای تخصیص به افراد تحت پوشش آن است و این نیز در گرو وجود یک نظام انگیزشی و اقتصادی است که بتواند به اندازه کافی کالا و خدمات تولید کند. کار و تولید در اسلام از مهم‌ترین عبادات به شمار می‌رود. تا آنجا که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «العبادة سبعون جزءاً؛ افضلها طلب الحلال» (الکافی، ج ۵، ص ۷۸، ۶) و در بیان دیگری فرمودند: «العبادة عشرة اجزاء، تسعة اجزاء فی طلب الحلال» (جامع الاحادیث، ۹۹)

انگیزه یک مسلمان از کسب و کار، تأمین معاش خود و خانواده‌اش می‌باشد و اسلام ثواب چنین عملی را مانند ثواب جهاد در راه خدا می‌داند. چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «الکاذ علی عیاله من حلال کالمجاهد فی سبیل الله» [الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۸، ۳۶۳۱]. در همین راستا اسلام تنبلی و بیکاری و استفاده اختیاری از صدقات را به شدت مذمت کرده است. رسول خدا (ص) فرمود: «کفی بالمرء اثماً أن یكون کلاً و عیالاً علی المسلمین» (الکافی، ج ۴، ص ۱۲، ۹) وجود این انگیزه سبب می‌شود که در جامعه اسلامی در درجه اول هر فرد خودش نسبت به تأمین مخارجش اقدام نماید و باری را بر نظام رسمی تأمین اجتماعی کشور تحمیل نکند. افزون بر این، تولید به قصد کسب درآمد مازاد به منظور سرمایه‌گذاری و تقویت پایه‌های اقتصادی جامعه و کمک به نیازمندان و به‌طور کلی هر گونه تلاش مفید و تولید ارزش افزوده‌ای مادامی که به منظور فخرفروشی و تکاثر نباشد مستوجب پاداش الهی است و اصولاً از دیدگاه قرآن کریم سعادت انسان در گرو تحصیل مازاد درآمد و انفاق آن در راه رضای خداست «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ». وجود چنین انگیزه‌ای سبب می‌شود. پرداخت مالیات به دولت جهت تأمین مالی هزینه‌های تأمین اجتماعی کاملاً با رضایت خاطر انجام شود و علاوه بر آن خود فرد نیز به صورت داوطلبانه در این مسیر مشارکت نماید. چنانکه امام علی (ع) به خاطر پیروی از چنین انگیزه‌ای به حدی از تولید ثروت و درآمد رسیده بود که به تنهایی قادر بود مخارج تمامی خانواده‌های بنی‌هاشم را تأمین کند. انتظار می‌رود نهادهای شایسته فرهنگ اسلامی نسبت به ارزش کار و قبح تنبلی و تکدی‌گری موجب تعدیل عرضه و تقاضای خدمات تأمین اجتماعی گردد.

### مصرف و تخصیص درآمد

در اقتصاد مرسوم مفهوم کانونی مسئله تخصیص درآمد، مصرف است و حداکثرسازی آن مورد تأکید قرار می‌گیرد اما در منابع اسلامی به جای آن بر مفهوم انفاق عام تأکید شده است. این رویکرد مبتنی بر بینش خاص اسلام درباره ابعاد زندگی انسان و تفسیر آن از سعادت وی است. در این بینش رفاه پایدار انسان در دنیا بدون عدالت اجتماعی و معنویت ممکن نیست و برای تحقق هم‌زمان این سه مهم، باید مصالح فرد و جامعه، در رفتارهای افراد با یکدیگر عجین شوند. از این‌رو قرآن کریم به جای مفهوم مصرف بر مفهوم انفاق تأکید کرده است. موارد انفاق در کتاب و سنت آنچنان گستره وسیعی دارد که تمام مصالح دنیا، آخرت، فرد و اجتماع را در بر می‌گیرد. قرار گرفتن مشارکت‌های اجتماعی به عنوان یکی از مجاری اصلی تخصیص درآمد در الگوی تخصیص درآمدی فرد مسلمان



## هشتمین کنگره‌س الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

همانند وجود عامل خودکاری در درون نظام کل، برای تحقق تأمین اجتماعی است. افزون بر این عناصری مانند: فضیلت اعتدال و میانه روی، رعایت حد کفاف در معاش، نگاه به پایین دست در سطح معیشت (النظر الی الأدنى معیشتاً)، کم خرج و پر خیر بودن (قلیل المؤمنه و کثیر المعونه بودن)، قناعت و زهد، حرمت اسراف و اتلاف مال، حرمت تبذیر، حرمت اتراف و تفاخر، حرمت تقتیر، و حرمت مصرف کالاها و خدمات ممنوعه، نیز کارکردهای مثبتی در جهت تحقق اهداف تأمین اجتماعی به جا خواهند گذاشت (رک: حسینی ۲، ۱۳۸۸، صص ۱۹-۲۲).

### توزیع درآمد و ثروت

الگوی رفتار توزیع درآمدی از جمله مهمترین عناصر تاثیر گذار در تحقق اهداف تأمین اجتماعی است. نظام تأمین اجتماعی با توزیع درآمد و ثروت رابطه‌ای دوسویه دارد، از طرفی، تعادل در توزیع درآمد و کاهش تعداد افراد زیر خط فقر هزینه‌های تأمین اجتماعی را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر وجود یک نظام تأمین اجتماعی کامل می‌تواند موجب تعدیل در توزیع درآمد و ثروت شود برخلاف نظام سرمایه‌داری که مبتنی بر انباشت و تمرکز ثروت بود، بر اساس روایت پیامبر اکرم (ص)، اسلام رسالت خود را انفاق و توزیع ثروت معرفی نموده است: «لَمْ نُبْعَث لِيَجْمَعِ الْمَالُ، وَلَكِنْ بُعِثْنَا لِإِنْفَاقِهِ» \*\*\*.

آموزه‌های اسلام در این زمینه مشتمل بر برنامه‌های متنوعی است که قسمتی از آن به اصلاح رفتار تخصیص درآمدی افراد مربوط می‌شود که در بالا ذکر گردید و بخش‌های دیگری از آن به توزیع درآمد و ثروت در مراحل قبل، حین و بعد از تولید اختصاص دارد که در ضمن راهکارهای تأمین اجتماعی در مباحث بعدی به آن خواهیم پرداخت.

### مبانی سیاسی و اجتماعی

تأمین اجتماعی از آن جهت که پدیده‌ای است که در ظرف اجتماع رخ می‌دهد، به ناچار پایه‌های آن در بستر جامعه استقرار خواهند یافت. از این رو لازم است مختصات اصلی جامعه‌ای که قرار است الگوی تأمین اجتماعی در آن پیاده شود نیز مورد بررسی قرار داده شود. جامعه از این جهت که ظرفی برای برقراری روابط فرد با دیگران است حداقل دارای دو رکن اساسی است که عبارتند از روابط و پیوندهای مجموعه افراد با یکدیگر و ارتباط میان افراد و دولت که اولی بیشتر جنبه اجتماعی و دومی جنبه سیاسی دارد. از این رو در این جا ظروف اجتماعی و سیاسی الگوی تأمین اجتماعی اسلامی را بررسی خواهیم نمود.

### همبستگی اجتماعی و برادری دینی

در اندیشه اسلامی فرد و جامعه بر اساس سلسله مراتبی از پیوندهای طولی و عرضی با یکدیگر همبستگی دارند و به جای بینش اصالت فردی و تلاش برای ایجاد وحدت تصنعی بر مبنای قرارداد که نتیجه آن محصور ماندن رفتار فرد به محدوده منافع شخصی و رها کردن مصالح اجتماعی به دست تقدیر است، این عقیده وجود دارد که جامعه همانند یک پیکر به هم پیوسته از افراد تشکیل دهنده آن است که همگی باید در صفوف به هم پیوسته در مسیر الی الله حرکت نمایند. امام صادق (ع) درباره همبستگی آحاد مؤمنان و برادری ایمانی آنان می‌فرماید:

\*\*\* مشكاة الأنوار : ۳۲۱ / ۱۰۱۸ عن الإمام الصادق عليه السلام.

□□□ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰)

□□□ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ (الصف: ۴) ؛ قُلْ إِنَّمَا أَعْطِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ قُرْآنِي (سبأ: ۴۶)

## ششمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

«مؤمن برادر مؤمن است و مانند یک پیکر هستند که اگر عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضایش نیز آن درد را در خود، احساس می‌کنند، روح آن دو مؤمن، از یک روح است و اتصال روح مؤمن به روح خداوند، بیشتر از اتصال پرتو خورشید به خورشید است» (کلینی، ۱۳۸۹: ۲، ۱۶) بنابراین در این نگرش مصالح هیچ جزئی بدون در نظر گرفتن مصالح سایر اجزا ممکن نیست از این رو همگان در مقابل هم مسئولند و هر کسی همانطور که نیازهای خود را می‌بیند باید نیازهای دیگران را هم در نظر بگیرد.

اعتقاد به پیوندهای اجتماعی کارکردهای فراوانی در جهت اهداف تامین اجتماعی دارد. وظیفه زوجین در مقابل یکدیگر، وظیفه والدین در مقابل فرزندان و وظیفه فرزندان در مقابل والدین به ویژه سالمندان، وظیفه فرد در مقابل سایر افراد، مسئله ارث گذاری و ارث بری، وظیفه مجموعه افراد یک نسل در مقابل نسلهای آینده (همانند استدلال امام علی (ع) برای حفظ اراضی مفتوحه العنوه عراق ایران برای نسلهای بعدی) نمونه‌هایی از آن است. متقابلاً در برنامه‌های تامین اجتماعی هم ایجاد و تحکیم پیوندهای اجتماعی اهمیت زیادی دارد. قرار گرفتن تالیف قلوب در کنار تامین فقرا و مساکین در آیه ۶۰ سوره توبه\*\*\* که به مصارف زکات اختصاص دارد حاکی از اهمیت این امر است.

### حاکمیت دولت اسلامی

در اندیشه اسلامی دولت علاوه بر این که حافظ نظم و امنیت جامعه است، مسئولیت مهم‌تری به نام برقراری عدالت اجتماعی و مهم‌تر از آن، زمینه سازی برای رشد و تعالی معنوی مردم به عهده دارد. از این رو نهاد دولت در نظام اسلامی صبغهای الهی دارد که از آن به عنوان «حاکمیت امام عادل» تعبیر می‌شود. قرآن کریم در آیات متعددی، از حاکمان حق به عنوان کسانی یاد می‌کند که دارای امامت الهی بوده و به فرمان خدا حکومت می‌کنند. به همین دلیل ملاحظه می‌کنیم در آیات قرآن، اموالی مانند انفال، فیه و خمس غنائم که در حقیقت متعلق به حکومت اسلامی است، به خدا و پیامبر(ص) و خویشاوندان او نسبت داده شده است (رک: انفال، ۱ و ۴۱؛ حشر، ۶ و ۷) بر اساس روایات، در زمان غیبت امام معصوم(ع) فقیهان جامع الشرایط به نیابت از ایشان مسئولیت تشکیل حکومت را به عهده خواهند داشت (رک: الحر العاملی، همان، ج ۲۷، ص ۱۴۰ و رک: منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۲۵-۴۹۰) رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در باره اهمیت حضور چنین دولتی فرمود: «سَاعَةً مِّنْ إِمَامٍ عَدْلٍ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً، وَحَدٌّ يُقَامُ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ أَفْضَلُ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا». (الکلینی، همان:

قال النبی (صلی الله علیه وآله وسلم): کلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیتة . (المنتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷)

\*\*\*\* إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶۰)

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ غَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج، ۴۱) همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء، ۷۳ و رک: سجده، ۲۴) و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند.

یک ساعت حکمرانی پیشوای عدالت پیشه، از عبادت هفتاد سال برتر است؛ و حتی که برای خدا در زمین جاری گردد، [برکش] از بارندگی چهل روز افزون‌تر است.

## هشتمین کنگرس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ج ۷، ص ۱۷۵). دولت اسلامی همانگونه که در اصل مشروعیت خود برخاسته از مبانی دینی است در قانون گذاری و سیاستگذاری نیز موظف است بر اساس منابع نقلی و استمداد از دانش دینی، قوانین و سیاست‌های مناسب را برای طراحی و اجرای الگوی تامین اجتماعی مطلوب تدوین نماید.

به این منظور در آیات و روایات منابع مالی دولت مانند؛ انفال، فیء، غنائم، خمس، زکات، خراج، جزیه و... به تفصیل بیان شده و مفهوم بیت المال در متون اسلامی ناظر به همین مقوله است. وظایف دولت و اصول کارهایی که باید با استفاده از منابع بیت المال انجام دهد امور متعددی است که تامین اجتماعی از جمله مهمترین آنها می‌باشد. (رک: حسینی ۱۳۸۰، صص ۳۸۱-۴۴۶) در منابع اسلامی حقوق متقابل دولت و مردم بیان شده و گشایش امور و پیشرفت کار اجتماع در گرو رعایت آنها دانسته شده است. امام علی علیه‌السلام - در خطبه خویش در [جنگ] صفین - با اشاره به این موضوع می‌فرماید:

«آن گاه، خداوند از حقوق خویش، برخی را برای بعضی از مردم بر بعض دیگر واجب فرمود... بزرگ‌ترین حقی که خداوند - تبارک و تعالی - از جمله آن حقوق واجب گردانیده، حق حکمران بر مردم و حق مردم بر حکمران است؛ و این، وظیفه‌ای است که خداوند برای هر یک از آنها بر دیگری قرار داده و زمینه ساز الفت و دوستی و ارجمندی دینشان و پایداری سنت‌های حق در میان ایشان قرار داده است. پس مردم صلاح نپذیرند، مگر آن که حکمرانان به سامان آیند؛ و حکمرانان صلاح نیابند؛ جز آن که مردم راست و درست باشند. و آن گاه که مردم حق حاکم را ادا کنند و حاکم نیز حق مردم را بگذارد، حق در میانشان عزت یابد و آیین‌های دین استوار گردد و نشانه‌های عدل برقرار شود و سنت‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در راه خود افتد؛ بدین سان، روزگار سامان گیرد و زندگی نیکو شود و امید به پایداری حکومت افزون گردد». (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶)

### الزامات تحقق الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

اسلامی بودن الگوی پیشرفت، مانند هر مقوله دیگر دارای شاخصه‌ها، و الزاماتی است که بدون مراعات دقیق آنها در فرایند طراحی و اجرا، نمی‌توان مدعی اسلامی بودن شد. برخی از مهم‌ترین این الزامات عبارتند از:

#### رعایت جانب فقرا در توزیع فرصت‌ها و امکانات عمومی

نابرابری در شرایط اولیه شروع فعالیت‌های اقتصادی، یکی از عوامل نهادینه شدن فقر و تداوم شکاف طبقاتی است و بسیاری از مظاهر تبعیض، فساد و رانت خواری که نطفه اولیه فقر با آنها بسته می‌شود در همین ناحیه صورت می‌گیرد. سیاست اجتماعی اسلام در این مرحله، جلوگیری از سوء استفاده اصحاب قدرت و ثروت در بهره‌مندی از فرصت‌ها و امکانات عمومی جامعه و مقابله با انحصارات ویرانگر؛ و در نقطه مقابل، ایجاد زمینه مناسب برای بهره‌مندی فقرا از این مواهب است. به این منظور در قانون اسلام، مالکیت غنایم به دست آمده از دشمن بدون جنگ (فیء)، ثروت‌های طبیعی مانند کوه‌ها، زمین‌های موات، زمین‌های آباد طبیعی، جنگل‌ها، معادن، دریاها و... متعلق به ولی امر (دولت اسلامی) است و مباحات اولیه مانند هیزم بیابان، پرندگان و آبزیان و حیوانات بیابان و برخی معادن سطحی مانند نمک و آب‌های جاری در طبیعت، به صورت مشترک متعلق به همه مسلمانان است که دولت اسلامی به نمایندگی از عموم به مدیریت آن می‌پردازد. تنظیم قوانین بهره‌برداری از این امکانات نیز به گونه‌ای ایست که صاحبان سرمایه و ماشین‌آلات هیچ امتیازی ندارند و حق احیا و بهره‌برداری به گونه‌ای قرار داده شده است که نیروی کار به راحتی می‌تواند به برداشت حقوق خود از طبیعت اقدام نماید (رک: صدر، همان، صص ۱۷۴-۱۴۵).

### مبارزه با سوء استفاده از اموال عمومی

فساد اقتصادی یکی از عوامل اختلال در عملکرد صحیح بازار و دامن زدن به فقر و شکاف طبقاتی است. در روایات نسبت به مراقبت مسئولان امر جهت جلوگیری از بروز فساد در تخصیص منافع، مناصب و امکانات عمومی توصیه‌های فراوانی وارد شده است (رک: ری شهری و حسینی، همان، ص ۲۶۲) امام علی علیه السلام در نامه‌اش به مالک اشتر می‌نویسد: پس آن‌گاه [بدان که] حکمران را خواص و پیرامونیانی هستند که همه چیز را برای خود می‌خواهند، چپاول‌گرند، و در رفتار [با مردم] کم انصاف می‌ورزند. ریشه اینان را با از میان بردن زمینه این کارها، قطع کن. به هیچ یک از پیرامونیان و خویشاوندانت زمینی [از اموال عمومی] واگذار مکن؛ مبادا در تو طمع برآید که قرار دادی [به سودشان] بسته شود که به همسایگان‌شان زیان رسد، خواه در آبیاری و خواه در کاری مشترک، به گونه‌ای که هزینه آن را بر عهده دیگران اندازند؛ که در این صورت، گوارایی از آن ایشان است نه تو و ننگ آن در دنیا و آخرت از آن تو است \*\*\*\*\* (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

### تنظیم عادلانه قوانین مربوط به توزیع درآمد میان عوامل تولید

پس از توزیع امکانات اولیه، مهمترین عامل در تعیین میزان دست‌آورد تلاش افراد، قوانین و حقوق مربوط به کیفیت توزیع درآمد میان عوامل تولید است. در الگوی اسلامی توزیع درآمد بین عوامل تولید (نیروی کار، مدیریت، سرمایه نقدی و سرمایه فیزیکی) به گونه‌ای تنظیم می‌شود که نیروی کار در مقابل سرمایه نقدی و سرمایه فیزیکی (زمین، ساختمان، ماشین‌آلات و...) از مزیت بیشتری برخوردار است. زیرا نیروی کار و مدیریت می‌توانند حقوق خود را هم به صورت مزد معین و هم به صورت سهمی از درآمد دریافت کنند، در حالی که سرمایه نقدی فقط در صورت مشارکت در تولید می‌تواند سهمی از درآمد را به دست آورد و بهره ثابت به آن تعلق نمی‌گیرد. سرمایه‌ای ابزاری هم فقط می‌تواند اجاره ثابت دریافت کند و نمی‌تواند در درآمد شریک شود (رک: صدر، همان، ص ۲۵۲-۲۰۱)

### روان سازی بازار و تسهیل فضای کسب و کار در جهت امکان استفاده عموم از مواهب بازار

ساختار بازار علاوه بر این که از روابط حقوقی ناظر بر توزیع امکانات و درآمدها تاثیر می‌پذیرد، تا حدود زیادی هم متاثر از مقررات و سیاست‌هایی است که به منظور برقراری نظم، امنیت و سایر مصالح اجتماعی وضع می‌شوند. برای این که بازار بتواند به میزان کافی فرصت اشتغال برای افراد فراهم نماید، برآیند این مقررات باید به گونه‌ای باشد که موجب روانی گردش کار، رواج معاملات و به اصطلاح، تسهیل در فضای کسب و کار گردد. وجود چنین خصیصه‌ای برای بازار از منظر تامین اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است و از این رو جهت گیری آموزه‌های اسلامی به سمتی است که موجبات روانی و سهولت بیشتر فضای کسب و کار را فراهم می‌کند. یکی از مهمترین عوامل زمینه ساز روانی مبادلات، پایین بودن هزینه مبادله است که در گرو تبیین حقوق مالکیت و شیوه‌های حمایت از آن است. نظام حقوقی اسلام بر پایه حقوق متخذ از آیات و روایات و تجربه تطبیق آن در دولت‌های نبوی (ص) و علوی (ع) (رک: شریف زاده و نادران، ۱۳۸۸)، ظرفیت‌های فقه اسلامی و اختیارات قانونگذاری ولی فقیه در محدوده مصالح اجتماعی از چنین ظرفیتی برخوردار است.

\*\*\*\*\* «ثم إن للوالبی خاصة و بطائنه فیهم استثناء و تطاول، و قلله إنصاف فی معامله، فاحسم مادة أولئك بقطع أسباب تلك الأحوال. ولا تقطن لأحد من حاشیتک و حامتک قطیعة. ولا یطمعن منک فی اعتقاد عقده تضر بمن یلیها من الناس فی شرب أو عمل مشترک یحملون مؤنثة علی غیرهم، فیکون مهناً ذلک لهم دونک، و عیبہ علیک فی الدنيا و الآخرة»

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی شرف؛ پیشران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

### تهذیب اخلاقی شرکت‌کنندگان در بازار

یکی از خصلت‌های بازار آزاد که از عوامل انگیزشی حداکثر سازی سود و نفع شخصی و تفاوت در توان رقابتی شرکت‌کنندگان در آن ناشی می‌شود، ایجاد اختلاف به زبان طبقات کم درآمد جامعه است. همانگونه که در مبانی اخلاقی الگوی اسلامی ملاحظه نمودیم، یکی از تدابیر اسلام برای جلوگیری از آثار سوء بازار بر زندگی افراد، اصلاح انگیزه‌های انسان در جهت پرورش حس نعدوستی، خیرخواهی، عدل‌ورزی، قناعت به سود کم، تعاون و... و ریشه کردن حرص، خودخواهی، ثروت‌اندوزی، طمع‌ورزی و مانند آن است. با اجرای این برنامه از دامنه ایجاد شکاف درآمدی توسط بازار آزاد کاسته شده و زمینه نیاز به توزیع مجدد درآمدها کاهش خواهد یافت. افزون بر موارد فوق، از آنجا که تامین اجتماعی یک هدف اصلی نظام اقتصادی اسلام است، در طراحی تمامی نهادهای نظام اقتصادی و سیاست‌های آن باید همواره تامین اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی تصمیم‌گیری در نظر گرفته شود و به جرأت می‌توان گفت در نظام اسلامی درستی و مشروعیت سیاست‌های اقتصادی در گرو سازگاری آن‌ها با اهداف تامین اجتماعی و بلکه جهت‌گیری آن‌ها در راستای آن است و هر گونه سیاستی که به افزایش و وخامت اوضاع فقرا منجر شود، فاقد مشروعیت خواهد بود. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«اهتمام اصلی دولت در همه سیاست‌های اجرایی و بخشی باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد. این باید اولین چیزی باشد که مورد نظر قرار می‌گیرد... مثلاً اگر می‌خواهیم یک پروژه صنعتی یا معدنی یا ارتباطاتی را اجرا کنیم در درجه اول باید ببینیم تاثیر آن در ایجاد عدالت اجتماعی چقدر است بر این اساس کار کنیم» (جاویدی، ۱۳۸۶، ص ۳۸۶) «در تنظیم برنامه‌های کشور، اصلی‌ترین مسأله عبارت از رفع فقر و محرومیت و نجات طبقات مستضعف و محروم و پابرهنگان که از تبعات دوران ستمشاهی و آثار سلطه بیگانگان است. همه برنامه‌های اقتصادی و تولیدی و سازندگی و رونق اقتصادی باید به این هدف متوجه باشد و تنها در این صورت است که این برنامه‌ها درست و قابل قبول است و نمایندگان محترم باید در قوانین مصوب و نیز در مواجهات خود با مسئولین اجرایی کشور این را اصل بدانند و وظیفه کمک به محرومان را سر لوحه مسؤلیت‌های نمایندگی خود قرار دهند.» (همان، ص ۳۹۶) خلاصه این که یکی از راهکارهای اصلی تامین نیازهای معیشتی افراد در الگوی اسلامی، تدارک تمهیداتی است که افراد بتوانند در چارچوب آن شخصاً و بدون نیاز به کمک‌های دولت و دیگران، زندگی شایسته و توأم با عزت و کرامت انسانی در تمام مقاطع زندگی خود از جمله دوره سالمندی را بدست بیاورند و با اطمینان می‌توان گفت اگر افراد بر اساس آنچه که در مبانی رفتار تولید و کسب درآمدی و رفتار تخصیص درآمدی الگو گفته شد، در چارچوب بازار سالم و نظام اقتصادی عادلانه به فعالیت بپردازند، اکثریت آن‌ها از این طریق قادر به تامین نیازهای زندگی خود خواهند بود. البته همانطور که قبلاً هم گفته شد، در فقه امامیه ظرفیت استفاده از عقد بیمه برای پوشش مخاطرات زندگی پذیرفته شده است که افراد می‌توانند با هزینه خود و در چارچوب قوانین کشور به آن اقدام نمایند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه مشروعیت هر نظام از آن خداوند است و خدای متعال است که به نظام جمهوری و حکومت‌های دیگر مشروعیت می‌بخشد و مردم هم بخشی از آن می‌باشد به این معنی که در جامعه اسلامی که مردم به خدا ایمان دارند و سرنوشت خود و حاکمان را از خدا می‌دانند براین اساس این تامین اجتماعی که بخشی از ضروریات اساسی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

مردم جامعه اسلامی می باشد و این نیازهای اولیه که برخی از آنها خدادادی هستند اگر به طور دقیق در بین اقشار ضعیف و متوسط جامعه به عدالت تقسیم گردد می تواند مشروعیت نظام را افزایش دهد.

با عنایت به تأمین اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی و تأثیرگذاری آن بر مشروعیت سیاسی نظام پیشنهاد می شود:

۱. راهبرد های بیمه ای تأمین اجتماعی از نظر جامعیت، فراگیری و کفایت ارتقاء یابد.

۲. راهبردهای حمایتی تأمین اجتماعی از نظر کمی و کیفی بهبود یابد.

۳. زیر ساختهای تزینی حمایت از اقشار ضعیف جامعه در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

بنابراین موضوع مشروعیت از این جهت مهم است که اصولاً بقا و دوام هر حکومت و یا نظام سیاسی بستگی تام به کیفیت و میزان مشروعیت آن نظام داشته و خواهد داشت .

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. سخی حلیمی، غلام، زمستان ۱۳۸۷. مبانی مشروعیت دولت در اسلام، فصلنامه کوثر معارف، سال چهارم، شماره ۸
۴. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۰. مبانی حکومت اسلامی، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی سیدالشهداء،
۵. رضا رمضان نرگسی، ۱۳۸۷، مبانی مشروعیت در اندیشه سیاسی غرب و اسلام.
۶. سیاح، احمد، ۱۳۷۸، فرهنگ بزرگ جامع عربی فارسی (۲ جلدی)، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۷. مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۹. نظریه سیاسی اسلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی،
۸. ابوزهره، محمد (۱۹۹۱) التكافل الاجتماعي فی الاسلام، قاهره: دارالفکر العربی.
۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰) منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
۱۱. حسینی سیدرضا (۱۳۷۹) الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف کننده مسلمان، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول .
۱۲. حسینی، سید رضا (۱۳۸۷) معیارهای عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام (بررسی انتقادی نظریه شهید صدر)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۲.
۱۳. حسینی، سید رضا (۱۳۸۸) تامین اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، ش ۱۱.
۱۴. حسینی، سید رضا (۱۳۸۹) معیارهای عدالت اقتصادی در منابع و مصارف بیت المال، مجموعه مقالات همایش مالیاتهای اسلامی، دانشگاه مفید.
۱۵. صدر، سید کاظم (۱۳۸۷) اقتصاد صدر اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
۱۶. صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۶) بینش اجتماعی اسلام، مترجم: کریم جعفری، انتشارات حکمت .
۱۷. صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۷) اقتصاد ما، ترجمه: عبدالعلی اسپهبدی، بی جا، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۱۸. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۴) المیزان فی التفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه الطبعة الثانية.
۱۹. ری شهری، محمد؛ حسینی، سید رضا (۱۳۸۶) التنمية الاقتصادية فی الكتاب والسنه، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
۲۰. حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۳ق) وسائل الشیعه (الاسلامیه)، بیروت: دارا احیاء التراث العربی، چاپ پنجم.
۲۱. شریفزاده، محمد جواد و نادران، الیاس (۱۳۸۸) تحلیل اقتصادی حقوق مالکیت در اسلام (با تأکید بر مفهوم هزینه‌های مبادله)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۶.
۲۲. قرضاوی، یوسف (۱۳۹۰) نقش ارزش‌ها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی، مترجم عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان، چاپ اول.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۹) الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، الطبعة الثانية.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲) نظریه حقوقی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶) حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا، چاپ یازدهم.